نقل از مکتوبات قلمی حضرت مولانا جراح صاحب رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ

برائے تقویۃ باہ و غرلفتہ شدن زناں

شیر میش و پلپل و چربی شیر — وقت خفتن بمال آں نیک بخت

تا بگوید زناں در وقت کار — شاد باش اے مرد با کار آور سخت

ذکر دراز و مطبر میشود

خرما طین تو با پیہ خرما دم گیر — بمالی بہر روز تو بر ذکر

شود تندہم طول کبرت چناں — کہ خرما گریزند از شرم آں

علی الصباح چوں مرد م بخواب روند — زناں دلیرانہ گفتہ بکوبند یار روند

صفوف کہ ذیابیطس را تمام نافع۔ صمغ عربی گل ارمنی گلنار

سماق منقی بلوط ہر یک پنج درم نشاستہ کتیرا تخم کاہو تخم خرفہ

ہر یک سہ درم صندل سپید یکدرم کوفتہ بیختہ شربتی سہ درم مع

احیا کہ جامع قبض و حموضت باشند ۱۲۰ از بیاض جراح علیہ الرحمۃ

شہد کی مکھی دس جائے تو ۱۰ کے عدد کو محکوس شمار کر کے ایک

گنیں اور دم کریں درد ختم ہو جائیگا۔

نقل از مکتوبات قلمی حضرت مولانا جراح صاحب رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ

برائے قوۃ باہ و خوش وقت شدن زناں

شیر میش و پلپل و چربی شیر — وقت خفتن بمال آں نیک بخت

تا بگوید زناں در وقت کار — شاد باش اے مرد با فالود رخت

ذکر دراز و مسطبر میشود

خمر الطین تو با پیہ خر طوم گبر — بمالی بہر روز تو بر ذکر

شود تندہم طول کیرت چناں — کہ خر ما گریزد از شرم آں

علی الصباح چوں مردم بخواب روند — زناں دیوانہ گویند مکر یار روز خر ہے

سفوف کہ ذیابیطس را تمام نافع۔ صمغ عربی گل ارمنی گلنار

سماق منقی بلوط ہر یک پنج درم نشاستہ کتیرا تخم کاہو تخم خرفہ

ہر یک سہ درم صندل سپید یکدرم کوفتہ بیختہ شربتی سہ درم مع

احیا کہ جامع قبض و حموضت باشد بدہند۔ از بیاض جراح علیہ الرحمۃ

شہد کی مکھی دس جائے تو ۱۰ کے عدد کو معکوس شمار کر کے ایک

گنیں اور دم کریں درد ختم ہو جائیگا۔

نسخہ برائے جالق و مستی منقول از حضرت علامہ مولانا خدا بخش صاحب جراح ۱۲۱۲

شنگرف سیماب ہر مثال ورقی سنکیہا سپید سنکیہا زرد

منجہل سرخ مکد[1] تولہ ادویہ بغیر سیماب اوّلاً سحق سازد چوں

چوں باریک شوند شیر زہوک بقدر صدف داخل کنند بودہ سیماب

را داخل سازند مالش کنند چوں خشک شود صدف شیر دیگر بار

انداز زند و علی ہذا القیاس ہفت نوبت شیر مذکور در چہار وعیت پاس

سحق کنند و جیہا مثل مقدار کنار خام نمودہ زیر سایہ خشک کنند

ہنگام حاجت یک قرص در سہ کہ گاوی کہ بمقدار کنار پختہ باشد

حل کردہ سوائے رگ زیر بین و حشفہ طلا سازند و بعد جوانب و پشت

چندان مالش کنند کہ از جذب شدن باز ماند بودہ بالا پیش برگ

ہر نولی نہادہ و در زیر او حلوائے ثلث دادہ محکم بندد بعد از چہار پاس

باب گرم یا تازہ چاہ بشویند و یک ساعت باز دارند ہمچناں در

دوازدہ پاس سہ مرتبہ نمایند و بشویند بریں طریق سہ ماہ خود

را آبلہ سازد انشاء اللہ تعالیٰ تا ہنگام پیری صلاحیت کد خدائی

[1] مکد مختلف ہیں کئی کو احمد دھوترا

خواهد داشت و الا یکمرتبه کافیست وقتیکه درانهای ظاهر شود
پس کند و بسکم گاوی تر کند چون خشک شود تر سازد
انشاء الله تعالی خیر شود و قوت تمام شود - نقل از بیاض قلمی مولانا
مولوی احمد صاحب جراح صفحه ۲۲۷/۲۲۸

برای عقرب - در زهر عقرب عدد بیست را از بیست تا یک
بشمارد و لیکن معکوس بشمارد زهر دفع شود و اگر راست
بشمارد زهر دفع شود شمارد باز شود - ۱۲ نقل از بیاض قلمی ۳۲۹

برای عقرب - نشادر با سهاگه و چونه آب نارسیده مساوی
نرم کوفته در هر دو دست خود مالیده بوکند در دو سه
بویدن اثر زهر و گزیدگی عقرب دفع شود صاحب مفتاح
مقرر بلا شبه نوشته ذخیره ۱۲ نقل از بیاض قلمی جراح علیه الرحمة ۳۲۹

برای عقرب - مگس کشته بالای نیش عقرب بمالد نفع
خواهد داد ۱۲ نقل از بیاض قلمی حضرت جراح صاحب علیه الرحمة ۳۲۹
ایضاً مکافور با سرکه حل کرده حوالت الوده بر نیش عقرب بر لب زده
دفع شود

ص ۳۲۹
رحمة
علیه

دفع شود - نقل شده از بیاض قلمی مخطوط جراح صاحب -

دیگر - سونف - کشنیز خوردن نیز نافع درد است ۱۲ - ص ۳۲۹

علاج زهرهاست = فائده جهت لدغ عقرب متعدد و نواحی آنرا

بروغن زیت یا غیره چرب نماید از ادویه خواهد شد ۱۲ ص ۳۲۸

برای زهر مار یک پنبه کاغذ کلان در آب شسته آب آن بخورد - ص ۳۲۸

ایضاً - خراطین تازه یا خشک یک ماشه تا دو ماشه در آب بخورد

چرب است - نوشته از بیاض قلمی مولانا جراح صاحب علیه الرحمة ص ۳۲۸

هرکه را مار گزیده باشد بر اعلی گزیدگی او رسنی ببندند و در پنج گره

یا هفت گره دهند و بر هر گره این افسون خوانده باشد و صاحب گزیدگی

را نیز بر مچ و ابصل و روغن زرد هفت بار دم کرده خوردن دهد

و باید که صاحب عمل از سه چیز پرهیز کند از ابصل سفید و گوشت

خروس سفید و از آب خوران چون بهائم و مار را نیز نزنند ۱۲

۱۲ برگ تلسی ۱۲ برگ سرینه ۱۲ فلفل گرد ۱۲ دانه سونف

جمع کرده گولی ببندد مار گزیده در چشم کشد و بخوراند و بر نیش

بمالد

برای مار گزیده

برای زهر مار

برای زهر مار

Scanned with CamScanner

بمالد انشاء الله تعالی به شود انسون این است = پهلوانان
خدادی دو جهانان رسول دی تیر بهانان چون یارین دی هذا
پیر دستگیر دی کرد اسلطان سیدی احمد کبیر دی کلام عربی آیت
قران دی دس الله یار خان پهلوان دی - بهنگری تولہ یا
۲۸۰ ص
۱۲ تولہ سائیده در روغن زرد خوراند - نوشته از بیاض قلمی حضرت جراح علیہ الرحمۃ
مارے که پشتش و شکم سیاه باشد فلوس در دهانش نهاده دهن
بدوزند لبوده مار را بر زمین نهاده تو و بالا پشک داده از طرف
دم آتش دهد چون سوخته شود پول کشته باشد پس او برات
چشم نابینا مفید است مسموع شد ۱۲ نقل از بیاض قلمی جراح علیہ الرحمۃ
ترکیب دیگر - مار مذکور را پاره کرده در سبوئے شیر کنند پس شیر را
جعرات کنند باز از ان شیر مسکه کشیده در چراغ سوزند و دودش
گرفته در چشم کنند مانند کحل نابینا به شود انشاء الله تعالی ۱۲ بیاض قلمی
انگوزه و برچ لونگ هم دو ماشه مار گزیده را بو یانند ص ۲۶۹
اگر مار گزیده را خون جاری شود در حال دهند و اگر از حد گزرد
برگ درخ

برگ دمخ یعنی کونه ریانک ذرة سوخته در آب حل کرده
نوشانند ۱۲ نوشته از بیاض قلمی حضرت جراح صاحب علیه الرحمة ص ۲۶۹

اگر سرگین موش بر زخم سگ دیوانه بندند به شود - ص ۲۶۹

کثیره تول آب برگ دهنوره سفید سرشاهی کمیز ماده گاو سرگین
سرشاهی روغن ستور سرشاهی قند یکجا کرده بخورد در
حال اثر سگ دیوانه ببرود ۱۲ - نقل از بیاض قلمی جراح صاحب علیه الرحمة ص ۲۶۹

ایضاً جالبود دانه مقشر بر نیش بآب حل کرده سگ طلا
کند و مار گزیده بیهوش را در چشم کشد ۱۲ - از بیاض حضرت جراح صاحب ص ۲۶۹

بآواز بلند در گوش خر بگوید که کمترم مرا گزیده در دم ساکن شود ۱۲ ص ۲۶۹

هر که دندان را سوبا خود دارد مار شش نگزد ۱۲ ص ۲۶۹

علاج عقرب برگ زهوک یعنی اک گرم کرده بر گزیدگی عقرب بندد به شود و هم نمک
ایضاً و قند سیاه بهم بستن مفید است ۱۲ ص ۲۶۹

هر که دانه هر دانه باشد دو در هم تخم ترب با سرکه بیاشامند ۱۲ ص ۲۶۹

علاج مار و عقرب اگر مغز خروس بر گزیدگی مار و کنترم مالی به شود ص ۲۶۲

افیون

افسون اک چک اک چک دوہیں کمانگر جائیان ارم
چری قطار یک کمادٹا مادی نانگنی دوجہی اینی کوری بار اکھم
موسی ماندری کوں جو چک کوں کرے مرمار اک چک دوہیں
بہنیا او پایاں کلتار اتردی لوہا سنین دوجہی دادہی بار سدو
سوئی ماندر اچک کدے دانری نال ۔ یک داس گرفتہ ہفت
بار خواندہ وداس ہم برو میزنندہ باشد باز داس را افتادہ
پس صاحب اک را گوید کہ برداشتہ آرد باز ہمچناں ہفت بار
خواندہ ہمچناں سہ بار ۱۲ نقل از بیاض قلمی حضرت جراح علیہ الرحمۃ ص ۲۶۵
افسون جہت رمد ۔ اکھ چنی اکھ چاندنی اکھ کیتی روشنائی دروہی شیخ
قریدی اکھ مول نہ آئی ۔ اول ہفت بار فاتحہ خواندہ بودہ این افسون
ہفت بار خواندہ و بودہ ہفت بار درود شریف خواندہ بر چشم دم کند ۱۲
افسون برائے درد دندان ۔ مریض را گوید کہ سوراخ گوش و بینی جانب میچ را
بانگشت دوم دست خود بند کند آنگاہ افسون اگر ہفت بار این افسون
میگوید اعوذ و امان کرمان سوراخا و بر بیمار مریض دم کند ۱۲ ص ۸۸
از جراح
برائے سنون

برای سنون. سنبل و سعد و عود غنچه گل استخوانی هلیله
و غوفل پس طباشیر جمله هریک وزن کاسه چینی و کف دریا
صدف پاک صندل و بیضا از برای سنون عجیب بر از مکتوب قلی جراح ص ۱۱۸
دیگر. دوائیکه درد دندان سوراخ دارد را ناخ. فلفل
عاقرقرحا بازرده مساوی بگیرند و اندویه باریک ساخته بر بالا
بسرشند درد سوراخ دندان ساکت شود از مکتوب قلی جراح ص ۱۱۸
دیگر برای درد دندان. جوانن مرچ نمک سنگ سرخ
باریک نموده بر دندان بمالد لعاب بسیار از دهن از مخطوط قلی جراح ص ۱۱۸
برای سنون که پیخ دندان را سخت کند و خون بازدارد شاخ گوزن
سوخته نمک اندرانی سوخته پوست هلیله زرد گل سرخ هریک دو
درم گلنار یک درم کوفته بیخته برشته بر دندان افشاند مجرب ص ۱۱۸
دیگر. اگر زرنباد باریک کرده بر دندان بمالد درد دور شود از ۱۱۹
دیگر عاقرقرحا بر دندان مالیدن همین عمل دارد و اگر نصف آن
فلفل گرداند فائده عظیم دارد در ۱۱۲ از مکتوب قلی جراح ص ۱۱۹

دوائیکه درد سر و درد دندان را نافع است - فلفل عاقرقرحا
مویز ج زنجبیل مساوی کوفته بیخته بعسل لبرشته و بمالند
و اگر میل آهنی گرم کرده چند کرت بر دندان نهند درد بشوید
بنشاند مجرب است از مکتوب قلمی جراح علیه الرحمة ص ۸۹

سعوق که رشته دندان را نافع است و محکم کند و سرخی آنرا
نفع دارد گلنار طباشیر گلسرخ کز مازج با السویته باریک
ساخته بپساند بر رشته مجرب است ۱۲ از مکتوب قلمی جراح ص ۸۹

برای سنون مجرب - گلسرخ مائین چغندری سماق عدس
مکد سه درهم طباشیر فوفل سرخ کمال پتر کف دریا
سعالة چینی مکد دو درهم کوفته بیخته در بن دندان بمالد یک
ساعت نگهدارد بعده بگلاب بشوید ۱۲ از مکتوب قلمی جراح ص ۸۹

سنون که جوشش و تشنگ را که بر بن دندان و دهن پدید آمده باشد
زراوند مدحرج برگ مورد کندر سعد گلنار بیخ سوسن والاخوین
مازو مساوی بیخته بسکار بر بند مجرب است ۱۲ از مکتوب قلمی جراح ص ۸۹

لسون

برای دندان درد و دندان کرم مجرب

سنون - سورنجان ۳ ماشه پوست بلیله ۲ ماشه صندل سفید مثله
پوست آمله مثله عاقرقرحا ۵ ماشه غلغل گرد زنجبیل ۲ ماشه کوفته پیخته
وقت خواب بر دندان بچپانند مجرب است ۱۲ از مکتوب جراح ص ۹۰

برای کرم دندان و دندان درد

علاج کرم خوردن دندان - اگر درد بسیار شود کنای خورد با برگ و بیخ
و تخم و شاخ در آب جوشانیده بدان آب غرغره کند و با کنای مذکور
مثل شنجار کوده کشد به شود ۱۲ مکتوب از بیاض جراح علی ص ۹۰

برای دندان درد و دندان کرم خوردن

افسون برای درد دندان - اَلْمَسُّ كَهِيعَصَ حَمَسَقَ لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اُسْكُنْ أَيُّهَا الْوَجَعُ بِالَّذِي إِنْ
تَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۲ از بیاض علی جراح علیه الرحمة ص ۱۲

برای دندان درد

سنون - عاقرقرحا ماجوپھل مجیم کبابہ بھنکر کی سفید
کیکر سنگ جراح کالی مرچ ہم وزن از بیاض جراح ص ۱۲

حیلہ - ہر کہ را خواب نیاید باید کہ چراغ روشن کردہ در کوچہ و بازار رود
و ہر چیز گم شدہ ہم جوید ہر گاہ کہ کسی بہ پرسد کہ چہ می جوئی
بگوید

بگوید خواب میکنم پس چراغ همان زمان بکشد بخانه بیاید لعون الله تعالی

خواب کند ۱۲ از بیاض قلمی جراح علیه الرحمة ص ۷۰

بیان ادویه دندان - برائے کرم دندان - جوکا خورد خام باریک نموده

در پارچه گرفته پر علی در حالت کرم خورده بدارد و کرم خواهد جنبید و بیرون خواهد

آمد ۱۲ ص ۳۳۹ مکتوبات قلمی بیاض حضرت جراح علیه الرحمة

بیان دندان

سپاری و مازو باریک نموده چند روز بر دندان بمالد و نشوید چند

روز مستحکم میشود ۱۲ مکتوب قلمی بیاض حضرت جراح علیه الرحمة ص ۳۳۹

سنون نافع اکله کهنه سرخ ۱۰ ماشه کودی سوخته ۱۲ عدد نیله تهوته ۱۲ ماشه

دانه الائچی کلان ۱۰ ماشه افزروت ۱۲ ماشه ۱۲ نقل از بیاض قلمی جراح

یعنی پرچوں

ص ۳۳۹

دردِ دندان - قشور الانار ۱۰ ماشه مازو ۱۰ ماشه قرنفل ۱۰ ماشه جوز بویه ۱۰ ماشه

سک ۱۰ ماشه بسیاسه ۱۰ ماشه الائچی ۱۰ ماشه کبابه ۱۰ ماشه زبد البحر ۱۰ ۱۲ نقل از بیاض جراح

علاج درد دندان - روغن سیاه اشخار نمک سنگ بهم سائیده

ص ۳۳۹

بالائے رخسار از جانب درد مجازی دندان درد دارد ۱۲ نقل از بیاض قلمی جراح

دوائیکه درد دندان فی الفور دندان ساکن کند - بابر نمک بگیرد و نیم کوب

Scanned with CamScanner

سازند و در پارچه باریک پوستی بسته درد دندان گرفتن فرمایند

ولحایی که برآید آمدن دهد ۱۲ نقل از بیاض جراح قلمی ص ۳۴۲ ۳۴۹

دوائیکه کرم دندان فرود آرد - تخم پیاز بر آتش بسوزند و دود آنرا

بتوسط نیک آهسته آهسته بکشند تمام کرم فرو افتد ۱۲ از بیاض جراح ص ۳۴۲ کرم دندان فرود آرد

دوائیکه درد دندان فرو کند پیله باریک ساقه بمالد ۱۲ از بیاض جراح ص ۳۴۲

دوائیکه دندان کرم خورده را نفع دهد - نوشادر افیون بر دندان کرم خورده نهند و بالای آن موم گداخته چندگرت چنین کنند نفع کند از بیاض جراح ص ۳۴۲ درد دندان کرم خورده را نفع کند

دوائیکه درد دندان را سود دارد شحم حنظل و روغن گاو بجوشانند

و بر سر پیله پنبه پیچند و کفی که از ان روغن بر آید بدندان بدان میل

گرفته گزارند ۱۲ نقل از مکتوبات بیاض علی حضرت جراح ص ۳۴۲ درد دندان را سود دارد

برگ ترنج کوفته زیر دندان دارد درد ببرد ۱۲ نقل از بیاض جراح ص ۳۴۲ درد دندان

هر که را درد دندان باشد اگر فرس زبرین باشد بتولید یا شمعلونی

واگر فرس زبرین باشد بتولید یا شمعلونی و ۳ میخ آهن بگیرد درد فرس زبرین علی التمام

واز صاف درد ببرد چند مرتبه درد دور شود و میخ کوفتن هر میخ

از صاف

از صاحب درد اذن بگیرد که بگویم چون اذن دهد پس بگوید یک بیت در
یم و یک در عین و یک در واو ۱۲ نقل از مکتوب بیاض گلها جراح ۳
اگر درد دندان چنان باشد که آب نتواند خورد بگیرد مر جو این وقت
خفتن در دهن داشته بخسپد چند روز به شود ۱۲ از بیاض جراح ۳
ایضاً - زرد چوب و جو این سحق کند و با آب گولی از بردرسم شب
زیر دندان دارد ۱۲ ایضاً -

جوز لویه دو پاره کند یکپاره بطرف کجی لثوه دارد در دهن کند و دهن از جوز
خالی نکند تا آنکه لثوه دفع شود و همین حکم دارد بر جهوله ادهیر رنگ ۱۲ از بیاض جراح ۳
برای مار گزیده اول بار در روز شریف هفت بار بوده فاتحه شریف یازده بار بخواند بوده
آن لفظ هندی چهل و یک بار بخواند باز فاتحه شریف یازده بار باز در روز شریف هفت
بار بر یازده عدد طفل خوانده در دست مریض یا مخبر نهد و طبا پنج بر روز
او زند و گوید جاوک درحال خیال آن مار گزیده در دل داشته باشد
اگر رنگ آن مار معلوم باشد فبها والا چنین مطلق مار در دل داشته
باشد ۱۲ تمت بعون الله تعالی از بیاض جراح ۳

در بیان اظفار کشمکش زنان

در بیان اعضائے شہوۃ زنان - ہر ہر روز شہوۃ زنان در پانزدہ شبانہ روز اول ہر ماہ در اعضائے جانب چپ و ہر شبانہ روزے بعضوے باین طریق و ہر روز شہوۃ زنان از جائے مخصوص علاقہ دارد و از حکمائے ہند منقول است اول ماہ در انگشت بزرگ پا ۲ در کف پائے - ۳ در ساق ۴ در زیر زانو ۵ در ران ۶ در کمر ۷ در فرج ۸ در ناف ۹ در پستان ۱۰ در نائے گلو و حلقوم ۱۱ در بر ہان - ۱۲ در دہن و لب فرو دین ۱۳ در کلہ ۱۴ در بناگوش ۱۵ در پیشانی ۱۶ در تارک سر - ۱۷ - و در پانزدہ روز آخر ہر ماہ در اعضائے جانب راست باین طور باشد ۱۸ در تارک سر ۱۷ در پیشانی ۱۸ در بناگوش ۱۹ در کلہ ۲۰ در دہن ۲۱ در حلق ۲۲ در پستان ۲۳ در ناف ۲۴ در فرج ۲۵ در کمر - ۲۶ در ران ۲۷ در زیر زانو ۲۸ در ساق ۲۹ در کف پائے ۳۰ در در انگشت بزرگ پا - پس ہر جائے شہوتش باشد مماس کنند و بر آن ناخن زنند تا در اتلافش ہیچ رعایت و بزودی از زال دست و ہر وقت شہوتش در اعضائے مذکور آنست کہ چون مرد ناخن بر آنہا رساند یا آنہا بگزد زن از جائے ہمہ و مضطرب الحال گردد و تخفی نماند

در بیان اعضائے شہوۃ زنان ۱۲

و مخفی نماند که جائے بوسہ پیشانی و رخسارہ و لب و چشم و ذقن و گلو و پستان
و پشت و پہلو و گردن است و جائے مماس زانو و سرین و کعب و غیرہا است
پس در وقت مباشرۃ کملیکہ مخصوص بعضو بود کہ شہوۃ در آن محل است
بعمل آرد تا شہوۃ زن در حرکت آید و پیش از مرد انزالش دست دہد ۱۲ از لذۃ النسا

برائے تلذذ طرخون بے مثل است و خفقان تجویز کردہ و بجز ہزاں دادہ مشکور
شود۔ عاقرقرحا ۱ ۔ اونگ ۱ ۔ جیوں ۱ ۔ مشک ۳ ۔ سرخ عطر مشکی ۱
شراب ۳ ۔ زہرہ گرگ ۱ ۔ ادویہ کوفتہ بعطر و شراب و زہرہ آب
آمیختہ طلا کنند ہم در تقویت و ہم در انتزاز امریتین میکند و گاہے بجائے
عطر مشکی عنبری داخل کردہ شد مضائقہ ندارد ۱۲ نقل از بیاض جراح ۳۲۵

جہت تقویت قضیب اثر تمام دارد۔ بیخ نرگس یک شبانروز در شیر تر کردہ
چہار عدد عاقرقرحا موزج ۱ ۔ دارچینی نیز ہر یک ۳ درم مشک یکدرم
۲۶۶ ہم آمیختہ بزہرہ گاؤ و یا شراب طلا کنند و بآب نیز روا است مجرب است
برائے قوۃ باہ بے نظیر است۔ گندم سبز نرم نخود گرد ہر یک برابر سبوس
نمودہ در شیر گوسفند در شربت یک ماہ غذا موافق مزاج ۱۲ از زخیرہ بیاض جراح
۲۶۶

برائے پاخانہ

اگر مالکنگنی را روز سه شنبه در روغن بریان کرده یک کف دست چهل روز

بخورد اگر عنین باشد قادر گردد ۱۲ نوشته از بیاض قلمی جراح ص ۲۶۶

برائے قوۃ خارج از قیاس - تلخه ماهی روهو همچنان ثابت فرد برائے قوۃ

خارج از قیاس آورده اما بغایت گرم است و دیگر ما محرور مزاج مبتلا شد

داد و هر که بخورد اثر گرمی و پس چشم و ی همچون برقان نماید نیکوترین علاج

ورائے خوب دارد ۱۲ نوشته بیاض حضرت جراح علیه الرحمة ص ۲۴۶

معجون نافع برائے کف که عاجز باشد از ازالهٔ بکارت - زنجبیل دارچینی

خصیة الثعلب شقاقل جوز بوا لسان العصافیر مصطگی

زعفران دارچینی یعنی دارفلفل بوزیدان هندی بوردان گویند گلسرخ

بهمنین تخم هلیون تخم گذر هریک دو مثقال مشک عنبر هریک

یک مثقال حب الفلفل سی دم زرنباد الفکر بیست و پنج مثقال

عسل نیم من ترکیب کنند چنانچه متعارف است بسیار مجرب است و

بکار آمده است ۱۲ نقل کرده از بیاض جراح علیه الرحمة ص ۲۸۵

برائے سطبر و دراز شدن قضیب - قنی درخت گز ۱ مثقال

ورد

ودر چهار دام روغن کنجد آن قدر بریان کنند که شکم او پاره پاره گردد
یک زات کرده بمالد لعبد ومرم وخارش زهره ماکیان بمالد مرم خواهد ماند
وخارش دفع خواهد ملتقم شد دوائیکه مجرب است ومداومت آن سبب
تعظیم ذکر است مورچه سیاه بزرگ که در گورستان می باشد صد عدد بگیرند
همچنان زنده در شیشه نهند وروغن را زقی که عبارت است از روغن زیتون
نیم اوقیه بدان ریز زند وسر شیشه بسته سه هفته در آفتاب سدات بگذارند
بعده بعمل آرند مجرب است ۱۲ نقل از بیاض قلمی حضرت جراح علیه الرحمه
دوا جهت تعوظ — اغیون عاقرقرحا لونگ جائفل بالسویه کوفته
بیخته با چربی کنوک در آویزند آهنی از دسته آهنی تا هفت تا هفت پاس
کنند پس طلا نمایند تعوظی تمام دهد حتی عنین را بسیار مجرب است ۱۲ از جراح
جهت تقویت — میان مسلم جهوکی از مولوی عبد العزیز مرحوم نقل کرده
که مسلم مذکور خود از موم بود یک بز غاله خورد که معلون میگویند
ذبح کرده گوشت پاره پاره سرخ بچربی مرغ روغن وا عصاب وغدود
از بدنش برآورده او را در ماون چوبین چنان بکوبید که ماون بدست

Scanned with CamScanner

برداشته بیاید پس هم وزن او قند سفید در او آمیزد پس قدری
کوفته در طشت ها پراگنده کنند پس روز درون و شب بیرون
میداشته باشند و پارچه مهین بالای طشتها ئے داده باشند تا مگس
بروے ننشیند حتی که خشک شود و هم بود از یک دو روز منقلب
میکرده باشند و از وقت کوفتن تا خشک شدن لمس بدست
نکنند بچوب میگردانیده باشند چون خشک شود کوفته نگهدارد
و بقدر تولہ نهار میخورده باشند و یعنی از طعام عادی کم هم کنند و بود
از هفته دو تولہ شروع کنند و در اثنا خوردن از جماع با الکل پرهیز
کنند و نان بروقت خورد دیگر هیچ چیز نخورد تا قل هشتاد سال بود و میرد
مفلس بود اما در قوة همچون جوانان بود ۱۲ نوشته از بیاض جراح ص ۲۸۸ و ۲۸۹

معجون که در تقویت باه نظیر ندارد و در بعضے طبائع گاه باشد که نفوظ
مفرط آرد حتی که جهت تسکین او احتیاج افتد تا که گل نیلوفر ۳ درم
و کافور یک نخود نرم کوفته با آب کاسنی خورند صفة عاقرقرحا قرنفل
زنجبیل مکه یک اوقیه زرده تخم بیضه مرغ پخته بیست عدد
عسل

معجون تقویت باه ۱۲

هشتاد سال در قوة جوانان شود ۱۲

نسخه مقوی باه مجرب است - شهد روغن گاو و شیر گاو مکد دودرم
اول هر سه را آمیخته دو سه جوش دهد چون هر سه مخلوط شوند کنجد سه دام
خوب کوفته انداخته جوش داده نگاهدارد هر روز قدر جوز مجرد مجرب است ۱۲
حلوا - که در وقت تقویت باه تولید منی و تسمین بدن عدیل ندارد -
وجهت درد کمر و ضعف گرده و مثانه مجرب است و این در رویش تالیف
کرده زردک سرخ رنگ شیرین از پوست و چیزی سخت که در وسط او
می باشد پاک کنند و یکمن از وی و نیم من از خرما فربه پر مغز خسته دور
کرده ن کنند اندر شیر گاو بپزند تا مهرا شود پس برآورده در هاون ها هون دسته
چوبین بکوبند تا چون مرهم کرده بود آرد نخود بریان و میده گندم هر یک
پانزده درم اندر قدری روغن گاو بریان سازند و قند سپید یکمن
و عسل نیم من در آب حل کنند و صاف ساخته برآن ریزند و بپزند
تا بقوام آید پس زردک و خرما مدقوق مخلوط کرده دو سه جوش داده فرود
آرند زرده بیضه هژده در آب جوش داده بهیئت ۲۰ عدد نیز نمک خوش
گوارنده

حلوه برای تقویت باه تولید منی و تسمین بدن عدیل ندارد
جهت درد کمر و ضعف گرده و مثانه مجرب است ۱۲

گرداده جمله را نیک امراض دهند بوده مغز بادام مغز پسته مغز جوز
مغز فندق مغز چلغوزه مغز نارجیل هریک ده درم خصیة الثعلب
کشنیز خرما خشک هر یک درم زنجبیل چینی زنجبیل خولنجان هریک ۳ درم
زعفران مشک هریک یک درم باریک ساخته بیامیزند هر صبح ده
درم بخورند ۱۲ از ابیاض نوشته جراح صاحب عیه الرحمة ص ۲۰۲ / ۲۰۳
مقوی باه ـ داخل اقسام ریاح است . صد برگ عشر کبیخ آن
از سوراخ جوشن وغیره سالم باشد بگیرد و پس یک آثار روغن
زرد و بغل و غیش گرفته یک یک برگ باو و دو برگ دران بریان
کرده بیرون آورد تا که تمام صد برگ بریان شود بوده صاف کرده
بوقت یک دام باین همان روغن تنها یا با نان در هر موسم زمستان می خورد با شد ۲۰۲ ۱۲
ضماد جهت سختی و محکم پستان کبح یعنی پلپل دراز قسط اسکنده
برابر سائیده بر پستان ضماد کند ۱۲ دیگر کمون را با یک سائیده
با آب تعجین نموده ضماد سازند و بالایش خرقه که در آب و خل تیار
باشد بر بندد سه روز بسته دارند بوده از آن شب را سائیده
بروغن

جهت سختی و محکم پستان کبح

دیگر ۱۲

بروغن گل رمیخته طلا سازند ۱۲ دیگر بیخ بید انجیر ناسس حریر
پستان عام خوردی شود ۱۲ موش تر را گرفته در تهالی سر بخم یعنی
پتیل گذاشته برخایند او آبک تر مالند همان وقت همان وقت منی
بیند از در پس بقدر سر بخم کلان تقفیب ابتلاء معشوقه تمام شود ۱۲ نمایند
بر تقفیب عجب نفع دارد ۱۲ پیخال کبوتر نمک سنگ باریک
ساخته باشهد بر تقفیب طلا نمایند ابتلاء معشوقه تمام شود ۱۲ ۲۰۳
طلا ملوکی مازو طرفین وتوی النوط ترنجبیل دارفلفل سنبل الطیب
سعد عاقرقرحا کباب مکه یکجا مشک ۱۲ سرخ باریک سائیده
بعسل سرشته قدر دو سرخ یا زیاده طلا نمایند وطاع کند ۱۲ ۲۰۳
برائے جلق زده و کجی آلته و سستی آن ناخیه است بیارد یکتوله شنگرف
کبکره باشد و بیست و یک عدد سهنه که جانور مشهور است و
یکمن معروف روغن کنجد که باآتش تاب نداده باشد پس اول یک
سهنه را شکم چاک کرده و اسعا او را بیرون انداخته آن یک گرم شنگرف
در جوف آن داشته آن شگاف و غیر سوراخهائ اصلی او بخیط دوخته نماید

طلا مازو طرفین ۱۲ توی النوط ۱۲ ۲۰۳

برائے جلق زده و کجی آلته و سستی آن ناخیه است ۱۲

ودر روغن اندراخته پخته بجای کہ سوخته نشود فرود آورده شنگرف را بروں
کشیده همان سان دو شکم سه نوبت دیگر اندراخته همچنان پخته نمایند تا که تمام
سه نوبت پخته شوند پس شنگرف را بروں آورده آن روغن که باقی
است در شیشه آتشی نگهدارند و شنگرف را با مم مصالحه دارو چنین
مطول گردد زنجبیل مکه یکماشه مم شنگرف سه ماشه و دو نیم آثار
شیر درخت بوبر که شیر مشهور است مالش نمایند که شیر تمام
جذب شده قابل انعقاد گردد پس جمله را بدو مطول بسته
یک حب علی الصباح بخورد و بالای شیر نوشد ص ۲۰۴
اگر شوربای کنجشک یا دراج یا گوسپند میسر آید خوب و مؤثر است
و آن روغن را بغیر حنظل مالیده خورده برگ حضور و یا برگ هر نوعی
بر بندد و سی روز ترک جماع نمایند ضرور و اجب بر ص ۲۰۴
دفع سستی پوست انار سه روغن سرشف جوشانده و غنیکم پوست
سنگر گداز شود با شیر گاو آمیخته مالد کند سستی برود سخت تر گردد
و اگر بر لستان عورت بمالد و به بندد مثل انار شود ص ۲۰۴/۲۰۵

پوست انار کوفته بهم مسکه ماده گاو آمیخته ببرزکمر لیسپ کنی
سستی قضیب چنانچه ببرزن نادر نشود شیر خر ماده مالد
مرد گردد ۱۲ = ۲۰۵ پرمیو و بند کشاده رفع کند مسریانی موگرس
صمغ عربی تال مکهار کتیرا جمله برابر نبات بهمه خوراک
یکتولی یادو تولی همراه شیر ماده گاو ۱۲ = ۲۰۵ سیماب کافور
هر یک کتیرا وزن یک شاهی شیر دقصور هم سایکده مالد کند قوه بسیار
دارچینی تلخه گاو بر قضیب مالد اگر نامرد باشد مرد گردد ۱۲ = ۲۰۵
ملفوف سهی سیماب کافور سهاگ شهد مکد درهم مالد کند چنان لذت
دهد که فرج زن از فراغی نجنبد ۱۲ = ۲۰۵ دهات که پیوسته یا گاه
گاه رخته باشد و لقصان قوت کردد دال سهاش را مقشر نموده خشک
سازد و صبح شیر ماده گاو مقدار دو آثار دو سر شاهی دال مذکور در شیر
انداخته بهمچون شیر برنج بپزند و قتیکه دال مذکور گداز شود از دیگ دال
فرود آورده سرد کرده بنوشد باید که یک هفته مداومت نماید
برای رفع پرمیو بهتر ازین دارو نیست و اگر کسی در ماه یک هفته
همین عمل

بہیں عمل کند قوت و صارت نقصان نشود ۱۲ از نقل نوشتہ جراح ص ۲۰۵

للہ سر شست کفید خوب طور مالیدہ کہ مثل مرہم شود قدری ۳ ماہ

باشراب گرم بیامیزد و بر ذکر طلا کند عجیب برگ خرفہ ۱۲

روز پیش آفتاب نشیند قدری دہ گیری چوں خشک شود باشراب

تازہ نبوشند دہ ۳ روز چنین کند عجیب است ۱۲ از نقل از نوشتہ جراح ص ۲۰۶

بیارد خشت کہنہ از دیوار کہنہ کہ از سالہا باشد میدہ ساختہ بہ راہ

شکر تری یار کردہ بخورد ہر روز ۳ چہار درم باآب برای مبتدیات

عجیب است ۱۲ نقل از نوشتہ جراح علیہ الرحمۃ ص ۲۰۶

پشک موش با فصل سرشتہ لیپ کند بر قضیب قوۃ عظیم بخشد ۱۲ ص ۲۰۶

برائے حبس اسپ بول عجیب است ۔ زنجبیل باآب لیموں سائیدہ

گولی بستہ گولی در مقعد اسپ اندازند شتاب حلال گردد ص ۲۰۶

مساک زعفران چہار ماشہ قرنفل ہشت ماشہ جوز بوا ۳ ماشہ افیون ماشہ ہشت

تولہ کشتہ چہار عدد ہمہ را کوفتہ باشہد مقدار ماشہ یا دو ماشہ گولی بستہ بخورد

و از نقل نجوزی شہانہ ص ۲۰۶

حب اغیون اسهاک تکی منی مجرب است اغیون ده درم فلفل
دارچینی زنجبیل کتیرا صمغ عربی زعفران بسباسه هریک پنج درم
حب بلسان مرصاف عاقرقرحا رب السوس زراوند جندبیدستر
جدوار خطائی درونج عقربی مصطگی عود خام هریک دو درم
خرفه تخم کرفس قرنفل دارفلفل جنطیانا هریک سه درم
مشک خالص یکدرم نبات پانزده درم کوفته پیخته بگلاب
بسرشند حبها سازند بقدر نخود و بدانند که در باب حرص بسیار
بیارد که بالاخر خرزهره آرد ۱۲ ـ ح ۲۰۶

حب ملازنه که باه آرد و هم فاعل و هم مفعول را لذت دهد بشرط
که حدت دوا بمزاج عضو موزی نباشد عاقرقرحا موسیر بج دارچینی
و بعضی کبابه نیز آمیزند جمله را برابر کوفته پیخته با عسل زنجبیل بسرشند
و قدر نخود حبها بندند و بوقت کار یک حب در دهان گیرند و آب
دهان ببرند کریا در قبل بمالند مجرب است ۱۲ ح ۲۰۶/۲۰۷ ادویه
که در تقویت باه مجرب است ماالکنگی تخم زردک عاقرقرحا

یکدرم قرنفل زعفران مکد نیم درم اسپند نیم تولہ خشخاش
کنجد مکد یک نیدرم روغن گاؤ شہد خالص مکد چار درم
زردہ بیضہ مرغ پنج عدد ادویہ کوفتہ بیختہ در روغن و شہد
ازدہ بیضہ مرغ بسرشند قدرجا قرنفل جہا سازند ہر یک وزن
از جماع یک حب بخورند قوۃ تمام آرد واگر مواقع آید دو حب
توان خورد از بوی کہ زردہ بیضہ خام تنفر می باشد بیضہ ہا را
در آب پختہ ازاں گرفتہ مخروج سازند مجرب است ۲۰۷
برائے قوۃ باہ سہل الطیب بسیار جوز بویہ قرنفل کنند
وارچینی از ہر یک پنج درم کنجد سیاہ پختہ کردہ شصت درم کوفتہ
بیختہ باسر چیندان عسل معجون سازند ۳ درم ہر روز میخورد
باشد تعقیب تمام سخت شود ۱۱ ۲۰۷ از یافتن جواہر
دوائیکہ قوت بسیار دہد۔ سیماب یکدرم وشہد دو حصہ
یکجا کردہ در آونہ آہن بادستہ آہنین آنقدر حل کنند کہ یکذات
شوند پس پارچہ انباد بر تعقیب بیچند و چوں لعوظہ
حاصل

ص ۲۰۷

شود پارچه دور کرده نزدیکی کنند تمام مفید است از بیاض جراح

جزرات نیم آثار بگیرند دولت کنند و چهار تولہ شہد و دو تولہ روغن

و شش تولہ شکر سفید و نیم آثار شیر دروس آمیزند و بہم سازند

و بنوشند فربہ کند و اشتہا آرد و قوت باہ بغایت افزاید ۱۲ ص ۲۰۷

ص ۲۰۸

ہفت مگس بگیرد و پر از وے دور کردہ و مغات سفید و کافور

ہر یک چہار رتی بستاند و این ہر سہ دوا را مخلوط ساختہ بر ذکر طلا نماید

امساک آرد ۱۲ از بیاض جراح ص ۲۰۸

طلاء مجرب معتمد علیہ ہر مثال ۴ ماشہ گندم مغک مثلہ مغیل مثلہ بلادر ۳ تولہ

ما للکنگنی ۴ تولہ روغن کنجد نیم پاؤ عاقرقرحا ۱ تولہ اجوائن خراسانی ۵ ۴ ماشہ

خانہ زنبور ۱ ماشہ بیخ تمباکو ۴ ماشہ بیخ قنب ۴ ماشہ بعد بذر البنج بیخ ۴ ماشہ

بل سفید ۱۵ ماشہ یک عدد سماہنہ را از امعا پاک کردہ قیمہ کنند و سفیدہا ۱۵

باریک ساختہ میانش کنند آنچہ قبل کنجد است کوفتہ در روغن آمیزد

و قدری ۳ پاس توقف کنند پس دیگر ادویہ را کوفتہ و سماہنہ مذکور

را با روغن بیامیزد پس در پتال چند روز روغن کشد و قدری

طلاء مجرب معتمد علیہ

Scanned with CamScanner

استعمال غایه و بالایش برگ خروع مندر اگر آبله شود
غوطه سوخته باسکنجبین مجرب است ۱۲ ص ۲۰۹ دوائیکه حلق
زده و از کار رفته شود ۱۲ - بگیرند مرغ جوان سیاه رنگ
که جفت نشده باشد آمیزند در استای غلیده بر تغیب
بمالند و بپزند تا خشک شود همچنان سه لیپ متواتر
کنند مرتبه اول سوزش و احماس میکند و هم نکند و مرتبه
دویم سوزش کم خواهد شد و سیوم مرتبه هیچ سوزش نخواهد شد
و غلبه خواهد کرد انروز مجامعت کند پس مشغول همین سه
لیپ کافی است ۱۲ ص ۱ هل کند و خون و بلغم و بالول خروان
کم هم چند بش باشد آمیزند در استای غلیده بر تغیب مالند ۱۲
برای سرعت و رقت و جریان تمر گوند خام ۵ تولا سپستان ۵ تولا
تمر تنرک ۵ تولا تمر بول خام ۵ تولا نارجیل تر خوزا نیده بار اول بایک
گرک ملاکر خوراک ایک تولا با ۱۲ شیر ماده گاو بخورد ص ۲۰۹ از مکتوب ۱۲
و خشت بنک بیخ و برگ و تخم سایده در سایه خشک کند

کوفته بیزند

کوفتہ و بیختہ با شکر سرخ قدری بخورد اسہال آرد ۱۲ ص ۲۰۹ از مکتوب جراح

دوا الفصل - دوا البصل تولید منی کند نعوظ آرد بغایت قوی باہ

است و بمزورین مناسب - آب پیاز یکبر عسل دو جزو بجوشانند

تا آب پیاز سوزد و عسل بماند وقت خواب دو ملیقہ یعنی شصت

مثقال بنوشند مجرب است ۱۲ ص ۲۰۹ از مکتوب جراح علیہ الرحمۃ

و دیگر اعدل ازاں است آب پیاز یکبر شیر مادہ گاؤ دو جزو بپزند

تا غلیظ شود و یک روز ازاں بنوشند مجرب است ۱۲ از مکتوب جراح ص ۲۰۹

شب یمانی یعنی چھٹکی مروغن گل بسایند و بر منہ بر پستان نافہ بدوم

ذی الصغر زمانا تا ہویدا مجرب است ۱۲ خصیہ خرگوش سوراخ کردہ در

کمر بندد و تا جدا نکند از زال نشود ۱۲ مجرب میر عبد الرزاق - جہت

قوۃ باہ و امساک چوب چینی تخم زردک بہنگ او منگن تال مکہارا

مکہ پنج تولہ ریگ ماہی عدد ثعلب اتولہ و مصری سواکیر مجرب است ۱۲

نقل از طب مراد کہ تالیف میر مراد علی تالپور است ۱۲ از بیاض جراح ص ۲۰۹

دوائے دارچینی کہ نعوظ آرد با اصحاب امر جیہ باردہ مفید است .

شیر تازہ گاؤ .

Scanned with CamScanner

شیر تازه گاو یک رطل بگیرند و دارچینی ده درم چون سرم سایده
بدان اندازند و یک ساعت بدارند شیر بنوشند بر دفعات تا هم شیر نوشیده
شود و همسان یک هفته بعمل آرند از جماع پرهیزند ۱۲ جالینوس
میگوید که مداومت می نمودم من بخوردن کنجشک و نوشیدن شیر
وقتی که عطسش میشد همیشه بود بکثرة منی و استشار ذکر ۲۱۰
دوائی خاص جهت باه نظیری ندارد نخود سپید بزرگ در آب جرجیر بمقدار
باشد که نخود مالیده شود و زیاده نماند پس در سایه خشک کرده
بسایند و بروغن حب الخضرا چرب کنند و قند سپید بچندان نخود
بقوام آرند و با هم بسرشند و پیش از غذا و وقت خواب قدر بیضه
بخورده باشند و بالائی او ۳۰ او قیه شیر بنوشند فائده جدید مجرب است ۲۱۰
سرعت انزال و بند کشاده دفع کند خصیة الثعلب کوفته بیخته موازن
بنیم سایم با یک پاو شیر بخورد بعد از دو گهری این سفوف سازند و عقب
این سفوف دو تولم تناول کنند تا ل مکبارا صمغ کهر شکر سفید
هر سه مساوی کوفته بیخته سفوف سازند و عقب این سفوف
موازن

موازنه چهار تولہ نخود کہ شب در آب تر کردہ باشند نعل نماید ۱۲ از بیاض ۲۱۰ جراح

تخم نالیہ اتولہ عقرقرحا اتولہ لونگ اتولہ رنگ سفید اتولہ زعفران

اتولہ در آب ادرک سبز سائیدہ حبہا بقدر کنار دستی بندد

یک حب در آب مذکور سائیدہ ضماد کنند سستی دفع شود ۱۲ ص ۲۲

اسپند سہ ماسہ کلونجی سہ جوائن خراسانی سہ ماشہ افیون دو ماشہ

مانند نخود حب بستہ استعمال نمایند از یک حب تا دو حب ۱۲ ص ۲۱۰

فلفل سپند بزرالبنج کہ بہندی جوائن خراسانی ہر یک بیست درم

افیون دہ درم زعفران پنج درم سنبل الطیب عاقرقرحا ہر یک

یک جزو درم عسل سہ چند معجون سازند شربت نیم ماشہ

قبل از جماع بخورد ۱۲ ص ۲۱۰ از جراح علیہ الرحمۃ

دل ہزار خشک کند با شکر بخورد شہوۃ بیفزاید و ہر عورت کہ رود

دیوانہ گردد ۱۲ ص ۲۱۰ از مکتوب جراح ۔ دیگر ۔ کرچ سرخ

بہندی بیر بولی گویند بپارسی عروسک گویند در روغن ستور

بریان کنند چنانکہ بگذارند عند الجماع قدری از ان روغن بر قضیب طلا نماید ۱۲ ص ۲۱۰

برای سستی ۱۲

برای قوت باہ و اسہال

برای ۱۲ و ۱۲ ایضا

برای دیوانہ کردن

Scanned with CamScanner

موئے سر زنے کہ در شانہ کردن شکستہ میشود و باشوہر بر قضیب
ملاکند و بآں زن بعد دیوانہ او شود ۱۲ ص ۲۱۱ از مکتوب جراح علیہ الرحمۃ
دیگر موئے سر عورت باشانہ بگیر دو سوختہ خاکستر ش برابر ملاکند و قطاع
کند زن دیوانہ او شود ۱۲ ص ۲۲۰ از جراح دیگر اگر زاغ سیاہ را ذبح کند
و سوختہ خاکستر ش اگر مرد زن را دہد کنیز ک او شود ۱۲ از مکتوب جراح ص ۲۲۰
برائے انزال کنانیدن زن بیار دنگ سنگ و پیخال کبوتر یکجا کردہ
و باشہد آمیختہ برابر ملاکند عورت را انزال شود ۱۲ از جراح ص ۲۲۰
للتطویل و سعانتہ سنبل یعنی چہر و شہد و روغن یاسمین بمالد ۱۲ ص ۲۲۰
خرطین با روغن کنجد بمالد ہر روز ۱۲ ص ۲۲۰
اگر پیہ خار پشت برآوردہ بمالد و ہر عورت جماع کند آں زن بر آں
مرد عاشق گردد ۱۲ از مکتوب جراح علیہ الرحمۃ ص ۲۲۰
اگر پیہ سوسمار بمالد ہم این عمل کند ص ۲۲۰
عنبر بنابر جالق ۔ کچلہ شیرہ برگ چنبیلی جوز القی زرنیخ سرخ
مرکب ہم ادویہ را کوفتہ باشیرہ در روغن انداختہ تا دو باس کھل
کند

کند وقت حاجت کار برد ۱۲ ص ۲۱۱ لیپ کہ لغایت مہی
است نعوظ تمام آرد۔ زنجبیل یک حصہ ریوند چینی دو حصہ
پوست بیخ دھتورہ سیاہ دو حصہ کوفتہ بیختہ باب صمغ
حبوب سبزند و بدارند و عند الحاجت باب کہ صمغ دران
حل کردہ باشد بسایند و لیپ سازند ۱۲ ص ۲۱۱
لیپ لغایت مہی

نسخہ ممسک منی نخود مقشر خشت بوسیدہ سیکنارہ
شاخ گوزن سوختہ روغن زردہ بیضہ مرغ مغز
۱ تولہ ۱ تولہ مثلم ۱ تولہ ص ۲۱۱ ۱۲
جہت تنگی فرج عجائب است۔ پوست درخت انار پوست انار
۲ تولہ ۲ تولہ
پوست تنبول گلنار مائیں خورد کیس سرمہ ادویہ کوفتہ
پاؤ سوماسہ
کوشاندہ پارچہ در و انداختہ دب مذکور جذب کنانند خشک کنند
نیم سیر ۷ دام ۲ درم نیم درم ۵ ماسہ
پس زن پارچہ بر انگشت پیچیدہ در فرج نہند عجائب است ص ۲۱۱
ازاک ۱ سک ۱ جبک ۱ تنگی فرج